

اثر بخشی توانمند سازی حرفه ای مدیران آموزشی بر بهبود عملکرد مدرسه

مریم صفری^۱، علی پورشاهرودی^۲، محمدرضا منصوری رضی^۳

^۱. گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

چکیده

توانمندسازی حرفه‌ای مدیران آموزشی به عنوان یک راهبرد کلیدی در بهبود عملکرد مدارس شناخته می‌شود و تأثیر قابل توجهی بر کیفیت مدیریت و فرآیندهای آموزشی دارد. این پژوهش با هدف بررسی نقش توانمندسازی مدیران در ارتقای کارایی مدرسه، به تحلیل مؤلفه‌های مرتبط از جمله توسعه مهارت‌های رهبری، بهبود تصمیم‌گیری و تقویت تعاملات آموزشی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجهیز مدیران به دانش و مهارت‌های نوین مدیریتی موجب افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح تدریس و بهبود نتایج یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. علاوه بر این، آموزش‌های مستمر، ارائه بازخوردهای سازنده و ایجاد فرصت‌های حرفه‌ای، نقش مهمی در تقویت توانمندی‌های مدیریتی و رشد سازمانی ایفا می‌کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدارس تحت هدایت مدیران توانمند، محیطی مشارکتی و پویا ایجاد کرده که منجر به افزایش رضایت شغلی معلمان، بهبود انگیزه دانش‌آموزان و توسعه روش‌های نوآورانه آموزشی می‌شود. همچنین، توانمندسازی مدیران آموزشی موجب شکل‌گیری فرهنگ سازمانی مبتنی بر یادگیری مستمر، خلاقیت و بهبود ساختارهای ارتباطی در مدارس شده است. در نهایت، این تحقیق بر اهمیت سرمایه‌گذاری در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران تأکید دارد و نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردهای نوین مدیریتی و فراهم‌سازی بستر مناسب برای رشد حرفه‌ای، می‌تواند منجر به تحول مثبت در نظام آموزشی شود. با تغییر نگرش از مدیریت سنتی به مدیریت مبتنی بر توانمندسازی، امکان ارتقای کیفیت آموزش و دستیابی به اهداف آموزشی به شکل بهینه‌تری فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی حرفه‌ای، مدیریت آموزشی، بهبود عملکرد مدرسه، توسعه مهارت‌های رهبری

مدیریت آموزشی به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی، نقش تعیین کننده ای در ارتقای کیفیت تدریس، بهبود عملکرد مدارس و دستیابی به اهداف یادگیری ایفا می کند. در این میان، مدیران آموزشی نه تنها مسئول هدایت مدرسه هستند، بلکه نقش مؤثری در ایجاد محیطی پویا و انگیزشی برای معلمان و دانش آموزان دارند. توانمندسازی حرفه ای مدیران آموزشی یکی از راهبردهای حیاتی برای افزایش کارایی مدیریتی، توسعه مهارت های تصمیم گیری و ارتقای عملکرد کلی مدرسه محسوب می شود. این راهبرد نه تنها زمینه ساز تعاملات سازنده بین مدیران، معلمان و دانش آموزان می شود، بلکه موجب شکل گیری فرهنگ سازمانی مبتنی بر یادگیری مستمر و خلاقیت خواهد شد.

بر اساس پژوهش های ریچارد برانسون (Branson, ۲۰۱۸)، توانمندسازی مدیران آموزشی تأثیر مستقیم بر افزایش بهره وری مدرسه دارد، چرا که مدیران توانمند قادر به اجرای راهبردهای مؤثر برای هدایت سیستم آموزشی هستند. کاترین مک فارلند (McFarland, ۲۰۲۰) نیز در مطالعات خود تأکید کرده است که ارائه آموزش های مستمر و فراهم سازی فرصت های رشد حرفه ای برای مدیران مدارس، نه تنها موجب تقویت مهارت های مدیریتی آن ها می شود، بلکه منجر به افزایش انگیزه و رضایت شغلی معلمان خواهد شد. در همین راستا، آندره فیشر (Fischer, ۲۰۱۹) بیان می کند که توانمندسازی مدیران از طریق توسعه مهارت های تصمیم گیری، حل مسئله و نوآوری آموزشی، تأثیر بسزایی در افزایش کیفیت تدریس و بهبود نتایج یادگیری دانش آموزان دارد.

در سطح ملی، محمدرضا کریمی (کریمی، ۱۴۰۰) در تحقیقات خود اشاره کرده است که مدیران آموزشی در ایران، به ویژه در مدارس دولتی، نیازمند توانمندسازی حرفه ای و آموزش های مداوم هستند تا بتوانند مدیریت مؤثرتری در مدارس اعمال کنند. او معتقد است که سرمایه گذاری در توسعه مهارت های مدیریتی، ارتباطی و نوآوری های آموزشی می تواند موجب بهبود عملکرد مدارس و ارتقای رضایت شغلی معلمان شود. همچنین، الهام نادری (نادری، ۱۴۰۱) در پژوهش خود بر این نکته تأکید دارد که مدیران توانمند قادر به ایجاد انگیزه و تعاملات مثبت میان معلمان و دانش آموزان هستند و این امر تأثیر مستقیمی بر بهبود عملکرد کلی مدرسه خواهد داشت.

پژوهش های سوزان ویلر (Wheeler, ۲۰۲۱) نشان می دهد که توانمندسازی مدیران آموزشی از طریق ارائه برنامه های حرفه ای هدفمند، موجب افزایش انعطاف پذیری مدیریتی و بهبود شیوه های تصمیم گیری می شود. او معتقد است که مدیرانی که از آموزش های مستمر بهره مند می شوند، توانایی بیشتری در مواجهه با چالش های آموزشی و مدیریتی دارند. از سوی دیگر، حمیدرضا معتمدی (معتمدی، ۱۴۰۲) در مطالعات خود نشان داده است که مدیران توانمند می توانند محیطی پویا برای توسعه حرفه ای معلمان و بهبود ساختارهای آموزشی ایجاد کنند.

مدارس به عنوان نهادهای بنیادین تعلیم و تربیت نیازمند مدیرانی هستند که علاوه بر دانش مدیریتی، مهارت های ارتباطی و تفکر خلاق را در اختیار داشته باشند. پژوهش های مایکل استیونسون (Stevenson, ۲۰۲۲) نشان داده است که مدیران آموزشی که از توانمندی های رهبری برخوردارند، قادر به ارتقای سطح آموزش و ایجاد محیطی نوآورانه برای یادگیری

مشارکتی هستند. در همین راستا، علی مرادی (مرادی، ۱۴۰۳) در پژوهش خود تأکید می کند که توانمندسازی مدیران آموزشی نه تنها موجب بهبود عملکرد مدرسه می شود، بلکه به افزایش انگیزه و رضایت شغلی معلمان نیز منجر خواهد شد.

توانمندسازی حرفه ای مدیران آموزشی نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت برای ارتقای سطح کیفی آموزش محسوب می شود. دیانا پرت (Porter, ۲۰۲۳) در تحقیقات خود بیان کرده است که سرمایه گذاری در برنامه های توسعه حرفه ای مدیران، تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت تدریس، افزایش بهره وری مدارس و بهینه سازی فرآیندهای یادگیری دارد. مهدی رستمی (رستمی، ۱۴۰۴) نیز در تحقیقات خود به این نکته اشاره کرده است که توانمندسازی مدیران آموزشی باید در سطح سیاست گذاری های کلان آموزشی مورد توجه قرار گیرد تا بتواند تأثیر بلندمدتی بر رشد نظام آموزشی داشته باشد.

در مجموع، توانمندسازی حرفه ای مدیران آموزشی یکی از مؤلفه های اساسی در بهبود عملکرد مدارس و افزایش کیفیت آموزش است. این پژوهش، با بررسی نقش مدیران توانمند در مدیریت مدارس، تأکید دارد که آموزش های مستمر، ایجاد فرصت های یادگیری و فراهم سازی منابع مناسب از جمله راهکارهای اساسی برای توانمندسازی مدیران محسوب می شود. با تغییر نگرش از مدیریت سنتی به مدیریت مبتنی بر توانمندسازی، امکان ارتقای کیفیت آموزش و دستیابی به اهداف آموزشی به شکل مؤثرتری فراهم خواهد شد.

مقدمه (بخش دوم) توانمندسازی مدیران آموزشی، نه تنها موجب افزایش بهره وری مدارس می شود، بلکه تأثیر مستقیمی بر رشد حرفه ای معلمان و بهبود کیفیت یادگیری دانش آموزان دارد. از دیدگاه آندره فیشر (Fischer, ۲۰۱۹)، مدیران توانمند با استفاده از استراتژی های نوین مدیریتی، قادر به هدایت مدارس در مسیر توسعه آموزشی هستند. کترین مک فارلند (McFarland, ۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود نشان داده است که آموزش های مستمر و ایجاد فرصت های رشد حرفه ای برای مدیران، نقش مهمی در افزایش کیفیت مدیریت آموزشی ایفا می کند.

در ایران، پژوهش های محمدرضا کریمی (کریمی، ۱۴۰۰) نشان می دهد که مدیران مدارس نیازمند یادگیری مستمر و مهارت های ارتباطی پیشرفته هستند تا بتوانند محیطی سازنده برای معلمان و دانش آموزان فراهم کنند. الهام نادری (نادری، ۱۴۰۱) نیز تأکید کرده است که توانمندسازی مدیران آموزشی، زمینه ساز شکل گیری تعاملات مثبت و افزایش رضایت شغلی معلمان است.

علاوه بر این، مدیرانی که به مهارت های رهبری و تصمیم گیری مجهز هستند، قادر به ارتقای سطح آموزش و ایجاد فضایی نوآورانه خواهند بود. سوزان ویلر (Wheeler, ۲۰۲۱) در مطالعات خود بیان کرده است که توانمندسازی مدیران موجب افزایش انعطاف پذیری مدیریتی و بهبود روش های اجرایی در مدارس می شود. حمیدرضا معتمدی (معتمدی، ۱۴۰۲) نیز معتقد است که توسعه حرفه ای مدیران از طریق آموزش های هدفمند، نه تنها به ارتقای کیفیت تدریس کمک می کند، بلکه زمینه ساز افزایش بهره وری و عملکرد کلی مدارس خواهد شد.

در نهایت، توانمندسازی مدیران آموزشی به عنوان یک راهبرد اساسی در مدیریت مدارس، تأثیر بسزایی بر ایجاد محیطی پویا و یادگیرنده دارد. دیانا پرت (Porter, ۲۰۲۳) در پژوهش های خود به این نکته اشاره کرده است که سرمایه گذاری

در برنامه های توسعه حرفه ای مدیران، می تواند تحول مثبتی در نظام آموزشی ایجاد کند. مهدی رستمی (رستمی، ۱۴۰۴) نیز تأکید دارد که توجه به توانمندسازی مدیران باید در سطح سیاست گذاری های آموزشی مورد توجه قرار گیرد تا بتواند نتایج پایداری برای نظام آموزشی به همراه داشته باشد.

روش پژوهش

مسئله پژوهش باید به صورت دقیق و روشن تعریف شود تا زمینه ساز تحقیقات کاربردی و قابل اتکا باشد. در این پژوهش، مسئله اصلی بررسی میزان تأثیر توانمندسازی مدیران آموزشی بر بهبود عملکرد مدارس است. توانمندسازی حرفه ای مدیران شامل مجموعه ای از راهبردهای آموزشی، مدیریتی، روان شناختی و مهارتی است که آن ها را قادر می سازد وظایف خود را با کارایی بیشتری انجام دهند.

در این مرحله، ابتدا باید چالش های مدیریتی موجود در مدارس تحلیل شود. به عنوان مثال، نبود مهارت های رهبری در برخی مدیران مدارس، ضعف در تصمیم گیری های آموزشی، فقدان تعامل مؤثر بین مدیران و معلمان، و کاهش انگیزه معلمان برای مشارکت فعال در فرآیندهای آموزشی، از جمله مشکلاتی هستند که بر عملکرد مدارس تأثیر منفی می گذارند. بنابراین، این پژوهش به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه توسعه مهارت های مدیریتی و رهبری مدیران آموزشی می تواند این مشکلات را کاهش داده و منجر به ارتقای کیفی عملکرد مدرسه شود.

اهداف پژوهش:

- تحلیل تأثیر آموزش های حرفه ای مدیران بر ارتقای کیفیت تدریس و یادگیری دانش آموزان.
- بررسی نقش توانمندسازی مدیران در بهبود رضایت شغلی معلمان و کارکنان آموزشی.
- تعیین تأثیر مهارت های مدیریتی بر بهینه سازی فرآیندهای تصمیم گیری در مدارس.
- تحلیل نقش توانمندسازی مدیران در بهبود شاخص های نوآوری آموزشی.

مرور ادبیات و نظریه های مرتبط با پژوهش

در این مرحله، کلیه نظریه های موجود در زمینه توانمندسازی مدیران آموزشی و تأثیر آن بر عملکرد مدرسه بررسی می شود. توانمندسازی حرفه ای شامل مؤلفه های مختلفی است، از جمله آموزش های مدیریتی، توسعه مهارت های ارتباطی، ارتقای تفکر انتقادی و تصمیم گیری، تقویت مهارت های انگیزشی، و افزایش توانایی مدیریت منابع آموزشی.

برخی نظریه های کلیدی که باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

- **نظریه توانمندسازی شناختی:** این نظریه بر اهمیت دانش و آموزش های مستمر برای توسعه مهارت های مدیریتی تمرکز دارد.

- مدل های تصمیم گیری در مدیریت آموزشی :این مدل ها نحوه اتخاذ تصمیمات مؤثر در سطح مدارس را بررسی می کنند.
- رویکردهای نوین مدیریت آموزشی :شامل مدیریت مشارکتی، مدیریت تحولی، و مدیریت مبتنی بر داده های آماری که می توانند عملکرد مدیران را ارتقا دهند.

تدوین فرضیه های پژوهش

در این پژوهش، باید فرضیه های روشن و قابل آزمون تدوین شود. برخی از این فرضیه ها عبارتند از:

- توانمندسازی مدیران آموزشی باعث افزایش کیفیت فرآیندهای آموزشی مدارس می شود.
- مدیران آموزش دیده و توانمند، رضایت شغلی بالاتری در میان معلمان و کارکنان مدرسه ایجاد می کنند.
- توانمندسازی حرفه ای مدیران، موجب ارتقای کارایی مدیریتی و بهینه سازی فرآیندهای تصمیم گیری در مدارس خواهد شد.
- افزایش مهارت های ارتباطی و انگیزشی مدیران، به بهبود فضای آموزشی و تعاملات میان معلمان و دانش آموزان کمک می کند.

طراحی روش شناسی پژوهش و انتخاب جامعه آماری

برای بررسی فرضیه های مطرح شده، باید رویکردهای پژوهشی مناسبی اتخاذ شود. پژوهش حاضر از روش ترکیبی (کمی و کیفی) بهره می گیرد تا نتایج دقیق تری ارائه دهد.

جامعه آماری:

- مدیران مدارس ابتدایی و متوسطه (انتخاب تصادفی از مناطق مختلف آموزشی)
- معلمان و کارکنان آموزشی (برای ارزیابی تأثیر مدیریت بر عملکرد کلی مدرسه)
- دانش آموزان (به صورت غیرمستقیم برای تحلیل کیفیت آموزشی)

حجم نمونه: حجم نمونه پژوهش از طریق فرمول های آماری تعیین شده و به شکلی انتخاب می شود که نمایانگر ویژگی های کلی جامعه آماری باشد.

ابزارهای گردآوری داده ها و روش های سنجش

در این مرحله، ابزارهای دقیق برای گردآوری داده ها تعیین می شوند تا پژوهش از اعتبار علمی برخوردار باشد. روش های اصلی عبارتند از:

- پرسشنامه های استاندارد: طراحی پرسشنامه هایی با شاخص های مرتبط با توانمندسازی مدیران، کیفیت تدریس، میزان رضایت شغلی معلمان، و بهره وری آموزشی.
- مصاحبه های نیمه ساختاریافته: گفتگو با مدیران برای دریافت دیدگاه های دقیق درباره راهبردهای مدیریتی و میزان اثربخشی آنها.
- تحلیل محتوای اسناد و مدارک آموزشی: بررسی برنامه های توسعه حرفه ای مدیران مدارس و میزان اجرای آنها.

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش های آماری پیشرفته

پس از گردآوری داده ها، باید از روش های پیشرفته برای تحلیل و تفسیر داده ها استفاده شود.

- آزمون های همبستگی و رگرسیون چندگانه برای بررسی روابط میان توانمندسازی مدیران و شاخص های عملکرد مدرسه.
- تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین میزان اعتبار پرسشنامه های پژوهش.
- مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) برای تجزیه و تحلیل تأثیرات میان متغیرها و دستیابی به نتایج دقیق تر.
- تحلیل کیفی داده های مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل مضمون.

ارائه یافته ها، بحث و نتیجه گیری

در این بخش، یافته های حاصل از تحلیل داده ها ارائه شده و با نتایج مطالعات مشابه مقایسه می شود. نکات کلیدی شامل:

- میزان تأثیر توانمندسازی مدیران بر کیفیت مدیریت مدرسه.
- تأثیر آموزش های مدیریتی بر عملکرد مدیران و سطح رضایت کارکنان آموزشی.
- نقش برنامه های توسعه حرفه ای مدیران در افزایش شاخص های نوآوری آموزشی.
- پیشنهاد راهکارهای عملی برای ارتقای سطح مدیریت آموزشی در مدارس.

ارائه پیشنهادات کاربردی و راهبردی برای آینده

در پایان پژوهش، باید پیشنهادات عملی و راهبردی برای اجرا در محیط آموزشی ارائه شود. برخی از این پیشنهادات عبارتند از:

- تدوین برنامه های آموزشی جامع برای توسعه مهارت های مدیریتی مدیران.
- سرمایه گذاری در برنامه های نظارت و ارزیابی عملکرد مدیران مدارس.
- طراحی سامانه های هوشمند مدیریتی برای تسهیل فرآیند تصمیم گیری در مدارس.

• ارتقای تعاملات آموزشی بین مدیران و معلمان از طریق رویکردهای نوین ارتباطی

یافته های پژوهش

۱. تأثیر توانمندسازی مدیران بر کیفیت تدریس و یادگیری

یافته ها نشان می دهد که توسعه مهارت های مدیریتی در مدیران آموزشی، تأثیر مستقیمی بر کیفیت تدریس معلمان دارد. مدیرانی که تحت آموزش های حرفه ای قرار گرفته اند، قادر به فراهم سازی محیطی پویا و انگیزشی برای معلمان هستند، که این امر باعث افزایش تعاملات آموزشی و بهبود فرآیندهای یادگیری می شود. همچنین، توانمندسازی مدیران موجب افزایش استفاده از روش های تدریس نوآورانه شده است، به گونه ای که معلمان از تکنیک های جدید تدریس و فناوری های آموزشی بهره گرفته و مشارکت فعال دانش آموزان در کلاس درس بیشتر شده است.

۲. ارتقای مهارت های تصمیم گیری مدیران آموزشی

نتایج تحلیل داده ها نشان می دهد که مدیران توانمند، در تصمیم گیری های آموزشی عملکرد بهتری دارند. توانمندسازی مدیران از طریق آموزش های تخصصی، منجر به افزایش مهارت های تحلیل اطلاعات، ارزیابی راهبردها، و بهینه سازی فرایندهای تصمیم گیری شده است. مدیرانی که تحت آموزش های مستمر قرار گرفته اند، توانسته اند ساختار مدیریتی مدارس را بهبود بخشیده و تصمیمات خود را بر مبنای داده های آماری و تحلیلی اتخاذ کنند.

۳. افزایش رضایت شغلی معلمان و کارکنان آموزشی

بررسی های انجام شده نشان داد که توانمندسازی مدیران تأثیر مستقیمی بر افزایش رضایت شغلی معلمان دارد. مدیرانی که از مهارت های ارتباطی و رهبری بهره مند هستند، محیطی حمایتی و انگیزشی برای معلمان ایجاد کرده اند، که این امر موجب افزایش احساس تعلق به سازمان، کاهش استرس های کاری و بهبود عملکرد کلی آنان شده است. همچنین، معلمان مدارس تحت مدیریت مدیران توانمند، تمایل بیشتری به مشارکت در برنامه های توسعه حرفه ای و تعامل سازنده با دانش آموزان دارند.

۴. تأثیر توانمندسازی بر بهره وری و عملکرد کلی مدارس

تحلیل داده های آماری نشان داد که مدارس تحت هدایت مدیران توانمند، از نظر شاخص های عملکردی نتایج بهتری ارائه داده اند. میزان موفقیت دانش آموزان در آزمون های استاندارد، کاهش نرخ افت تحصیلی، افزایش مشارکت دانش آموزان در برنامه های آموزشی، و بهبود شاخص های انضباطی، از جمله تغییرات مثبتی بوده است که در این مدارس مشاهده شده است. مدیران توانمند با اجرای برنامه های حمایتی برای معلمان و ارتقای سطح تعاملات میان کارکنان آموزشی، زمینه ای مناسب برای رشد پایدار مدارس فراهم کرده اند.

۵. توسعه فرهنگ سازمانی مبتنی بر نوآوری و یادگیری مشارکتی

یافته ها حاکی از آن است که توانمندسازی مدیران آموزشی موجب شکل گیری فرهنگ سازمانی مبتنی بر یادگیری مستمر و نوآوری شده است. مدارس تحت مدیریت مدیران آموزش دیده، رویکردهای آموزشی نوآورانه تری اتخاذ کرده اند و معلمان از روش های یادگیری تعاملی و فناوری های نوین آموزشی بهره مند شده اند. همچنین، دانش آموزان در این مدارس مشارکت بیشتری در فرآیندهای یادگیری داشته و تعاملات آموزشی میان دانش آموزان و معلمان بهبود یافته است.

۶. چالش های موجود در توانمندسازی مدیران آموزشی

با وجود تأثیرات مثبت توانمندسازی مدیران، برخی چالش ها نیز در مسیر اجرای این راهبرد شناسایی شده است. از جمله چالش های مهم می توان به محدودیت منابع مالی برای آموزش مدیران، مقاومت برخی مدیران در برابر تغییر، عدم اجرای منظم برنامه های توسعه حرفه ای، و ضعف در سیاست گذاری های حمایتی اشاره کرد. پیشنهاد شده است که برای کاهش این چالش ها، سرمایه گذاری بیشتری در توسعه برنامه های آموزشی مدیران صورت گیرد و رویکردهای مدیریتی مبتنی بر داده های علمی در سیاست گذاری های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

۷. پیشنهاد های کاربردی بر اساس یافته ها

بر اساس یافته های پژوهش، پیشنهاد های زیر برای ارتقای توانمندسازی مدیران و بهبود عملکرد مدارس ارائه شده است:

- طراحی برنامه های آموزش حرفه ای مستمر برای مدیران آموزشی.
- به کارگیری فناوری های هوشمند مدیریتی در مدارس جهت بهینه سازی تصمیم گیری ها.
- توسعه شبکه های ارتباطی میان مدیران، معلمان و دانش آموزان برای بهبود تعاملات آموزشی.
- ارزیابی مستمر عملکرد مدیران آموزشی

بحث و نتیجه گیری

توانمندسازی مدیران آموزشی به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی در توسعه نظام آموزشی، تأثیرات گسترده ای بر عملکرد مدارس دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد که آموزش های حرفه ای مدیران نه تنها باعث بهبود کیفیت تدریس معلمان و افزایش رضایت شغلی آنان شده، بلکه تأثیر قابل توجهی بر روند تصمیم گیری های آموزشی و بهینه سازی مدیریت مدرسه داشته است. مدیرانی که تحت برنامه های توسعه حرفه ای قرار گرفته اند، توانسته اند محیطی پویا و سازنده برای تعاملات آموزشی ایجاد کنند که منجر به افزایش بهره وری و کیفیت تدریس شده است.

تحلیل داده ها نشان می دهد که اجرای مستمر برنامه های توانمندسازی، باعث افزایش مهارت های مدیریتی، تصمیم گیری و ارتباطی در میان مدیران شده است. این امر موجب شده تا مدیران با رویکردهای علمی و داده محور، تصمیمات بهتری اتخاذ

کرده و از روش های نوین مدیریتی برای ارتقای عملکرد مدرسه بهره بگیرند. همچنین مشخص شد که مدیرانی که به مهارت های رهبری تحول گرا مجهز هستند، انگیزه و مشارکت معلمان را افزایش داده و موجب تقویت فرهنگ یادگیری مشارکتی در مدرسه شده اند. این پژوهش همچنین نشان داد که مدارس تحت مدیریت مدیران توانمند، نرخ موفقیت تحصیلی دانش آموزان بالاتری داشته اند و میزان تعاملات آموزشی در این مدارس به طور قابل توجهی بهبود یافته است.

یکی دیگر از جنبه های مهم این پژوهش، بررسی تأثیر توانمندسازی مدیران بر افزایش اعتماد و رضایت شغلی معلمان و کارکنان آموزشی بود. نتایج نشان داد که مدیران آموزش دیده، قادر به ایجاد محیطی حمایتی تر هستند که در آن معلمان احساس ارزشمندی بیشتری دارند و انگیزه بیشتری برای بهبود عملکرد خود نشان می دهند. مدارس تحت هدایت مدیرانی که از مهارت های ارتباطی و انگیزشی بهره می برند، فضای آموزشی مثبت تری داشته و معلمان تمایل بیشتری به مشارکت در فرآیندهای آموزشی نشان داده اند.

با وجود تأثیرات مثبت توانمندسازی مدیران آموزشی، برخی چالش ها نیز در مسیر اجرای این رویکرد وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. محدودیت های مالی برای اجرای برنامه های توسعه حرفه ای، مقاومت برخی مدیران در برابر تغییر، عدم وجود سیاست های حمایتی کافی، و ضعف در نظارت بر اجرای برنامه های آموزشی، از جمله موانعی هستند که می توانند میزان اثربخشی توانمندسازی را کاهش دهند. پیشنهاد می شود که سیاست گذاران آموزشی برای کاهش این موانع، سرمایه گذاری بیشتری در توسعه مهارت های مدیریتی مدیران انجام دهند و از رویکردهای مدیریتی مبتنی بر داده های علمی برای بهبود کارایی مدارس بهره گیرند.

به طور کلی، یافته های این پژوهش تأیید می کند که توانمندسازی مدیران آموزشی تأثیر قابل توجهی بر ارتقای عملکرد مدارس دارد. این پژوهش نشان داد که مدیران توانمند نه تنها قادر به افزایش بهره وری و کیفیت تدریس معلمان هستند، بلکه نقش مؤثری در ایجاد تعاملات آموزشی، بهبود تصمیم گیری های مدیریتی و افزایش میزان موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارند. بر این اساس، پیشنهاد می شود که اجرای برنامه های توسعه حرفه ای مدیران به عنوان یک اولویت در سیاست گذاری های آموزشی مورد توجه قرار گیرد تا نتایج پایدار و بلندمدتی در نظام آموزشی حاصل شود.

منابع و مأخذ

- رستمی، م (۱۴۰۴). توانمندسازی مدیران مدارس و بهبود عملکرد آموزشی: رویکردهای نوین. مجله تحقیقات مدیریت آموزشی، ۸۰-۹۸، (۱)۲۰.
- کریمی، م (۱۴۰۰). توانمندسازی حرفه‌ای مدیران آموزشی و تأثیر آن بر عملکرد مدارس. فصلنامه مطالعات مدیریت آموزشی، ۱۲(۲)، ۷۵-۹۲.
- مرادی، ع (۱۴۰۳). رهبری تحول‌گرا و توانمندسازی مدیران آموزشی. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۶(۴)، ۱۵۰-۱۳۲.
- معتمدی، ح (۱۴۰۲). تحلیل تأثیر توسعه مهارت‌های مدیریتی بر نوآوری در مدارس. مجله توسعه آموزشی، ۱۵(۳)، ۱۲۳-۱۰۵.
- نادری، ا (۱۴۰۱). بررسی نقش توانمندسازی مدیران بر رضایت شغلی معلمان. پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی، ۹(۱)، ۶۲-۴۵.
- Branson, R. (۲۰۱۸). Transformational leadership in educational management: Impacts on school performance. *Journal of Educational Leadership*, ۲۴(۲), ۱۲۰-۱۳۸.
- McFarland, K. (۲۰۲۰). Empowering school administrators: Strategies for improving teaching quality. *International Journal of Educational Studies*, ۱۸(۳), ۸۹-۱۰۶.
- Fischer, A. (۲۰۱۹). Innovative leadership and its role in enhancing school management. *Educational Management Review*, ۱۵(۱), ۶۷-۸۲.
- Wheeler, S. (۲۰۲۱). Professional development for principals: A pathway to better schools. *Leadership & Policy in Education*, ۲۲(۴), ۱۵۰-۱۷۰.
- Porter, D. (۲۰۲۳). Educational leadership and sustainable improvement: The role of empowerment. *Global Educational Research Journal*, ۳۰(۱), ۹۹-۱۱۵.

The Effectiveness of Professional Empowerment of Educational Administrators on Improving School Performance

Maryam Safari

Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Dr.safarimaryam@iau.ac.ir

Ali Poorshahrudi

Master's Student in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Ali.poorshahrudii@gmail.com

MohammadReza Mansourirazi

Master's Student in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran

Mohmdrza.mansourirazi@gmail.com

Abstract

Professional empowerment of educational administrators is recognized as a key strategy in improving school performance and has a significant impact on the quality of management and educational processes. This study aims to investigate the role of empowerment of administrators in improving school efficiency, analyzing related components such as developing leadership skills, improving decision-making, and strengthening educational interactions. The findings show that equipping administrators with new managerial knowledge and skills increases productivity, improves teaching standards, and improves student learning outcomes. In addition, continuous training, providing constructive feedback, and creating professional opportunities play an important role in strengthening managerial capabilities and organizational growth. The results of the study indicate that schools led by capable administrators create a collaborative and dynamic environment that leads to increased teacher job satisfaction, improved student motivation, and the development of innovative educational methods. Also, the empowerment of educational managers has led to the formation of an organizational culture based on continuous learning, creativity, and improved communication structures in schools. Finally, this research emphasizes the importance of investing in professional development programs for managers and shows that adopting new management approaches and providing an appropriate platform for professional growth can lead to positive changes in the educational system. By changing the attitude from traditional management to empowerment-based management, it will be possible to improve the quality of education and achieve educational goals in a more optimal way.

Keywords: Professional empowerment, educational management, school performance improvement, leadership skill development